



استقبال از نقد ناقدان

محمود صلواتی

از همان دوران کودکی که مادر بزرگم در کنار چرخ نخ‌ریسی سوره‌های کوتاه قرآن را برایم می‌خواند و از من می‌خواست تا آنها را به همراه وی تکرار کنم و به خاطر بسپارم، با آنکه در آن سن و سال، چیزی از معانی و مفاهیم قرآن را نمی‌فهمیدم اما آهنگ جذّاب و زیبایی این سوره‌ها چنان مجذوبم می‌ساخت که همانند ترانه‌های کودکانه، بی‌اختیار در طول روز آنها را تکرار می‌کردم و تا شب چند آیه و گاهی سوره‌ای را از بر می‌کردم. به راستی هنوز آن آهنگ دلنشین و آوای ملکوتی در گوشم طنین‌انداز است که در حال جست و خیز و بازی می‌خواندم: «بسم الله الرحمن الرحيم. تبت يدا ابي لهب وتب. ما اغنى عنه ماله وما كسب. سيصلى ناراً ذات لهب. وامرأته حمالة الحطب. في جيدها حبل من مسد»

بعدها که بزرگتر شدم و خواندن و نوشتن را ابتدا در مکتب و سپس در مدرسه آموختم و با تحصیل علوم اسلامی، به جست و جوی مفاهیم و معانی قرآن برآمدم و به قرآن‌های مترجم. در ابتدا ترجمه شادروان معزی و سپس ترجمه شادروان استاد الهی قمشه‌ای - دسترسی پیدا کردم، و از آن استفاده‌ها بردم - بدون آنکه قصد تنقیص و کاستن از ارزش پیشتازی آن عزیزان را داشته باشم - هرگز آن شور و شعف و لذتی را که به هنگام تلاوت آیات قرآن به من دست می‌داد از مطالعه این ترجمه‌ها احساس نمی‌کردم.

در سالهای بعد ترجمه استاد ابو القاسم پاینده - که آن را می توان مادر بسیاری از ترجمه های پس از خود نامید - ترجمه استاد جلال الدین فارسی، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، ترجمه استاد فولادوند و در این اواخر ترجمه وزین و ارزشمنند قرآن پژوه معاصر بهاء الدین خرمشاهی، و نیز ترجمه استاد آیتی و بسیاری از ترجمه های دیگر را به تدریج تهیه کرده و به دقت مورد مطالعه قرار دادم، اما در این ترجمه ها نیز با آنکه مفاهیم قرآن کریم بسیار عالی و با دقتی در حد وسواس و عموماً با نشری خوش به فارسی بارزگردان شده است، ولی هرگز گمشده خود را که از کودکی به دنبال آن می گشتم و مرا مسحور و مجذوب خود ساخته بود، به دست نیاوردم.

در همین ارتباط به ترجمه های کهن قرآن کریم مانند ترجمه و تفسیر نسفی، ترجمه و تفسیر خواجه عبد الله انصاری و ترجمه های دیگر از این دست مراجعه کردم و با آنکه با شگفتی مشاهده کردم که آن بزرگواران به این دو ویژگی بارز قرآن کریم یعنی ویژگی وزن و سجع بیشتر عنایت داشته و کوشیده اند به صورت مسجع و موزن کلام الهی را به فارسی باز گویند، اما با توجه به اینکه ادبیات این ترجمه ها قرن ها از زمان ما فاصله دارد و بسیاری از واژه های پارسی آن زمان، اکنون در جامعه ما متروک شده و برای مردم ما قابل فهم نیست، از این رو باز احساس می شد که نیاز به ترجمه ای صحیح و دقیق از قرآن مجید به زبان روز، همراه با سجع و وزن و محسنات لفظی و معنوی متناسب با قرآن مجید همچنان باقی است.

لحظه ملکوتی

بیت

درست در زمستان سال ۱۳۶۷ بود که در فضایی ملکوتی و در لحظه ای نورانی این فکر به ذهن افتاد که ترجمه ای مسجع و موزون از قرآن کریم ارائه کنم و چون در جواز و نیز در توفیق یافتن در این کار بس مهم دچار تردید بودم با استخاره ای از قرآن کریم این کریمه، بشارت آمد که: «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدير» (حج، ۲۲/۳۹) و بدین گونه هم اجازه کار صادر شد و هم آوای نصرت و یاری خداوند به گوش رسید؛ و بدین ترتیب در مدتی نه چندان طولانی کار ترجمه دو جزء آخر قرآن کریم به پایان آمد و پس از مدتی تأخیر با یاری خداوند متعال، در سال ۱۳۷۲ با نام «آوای قرآن»، به زیور طبع آراسته شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. آنگاه در تابستان سال ۱۳۷۶ جزء آخر آن با تجدید نظر و اصلاحات تجدید چاپ گردید.^۱

پس از انتشار آوای قرآن، ترجمه مجموعه قرآن کریم از ابتدا آغاز شد، اما دیگر این من نبودم که کار ترجمه را دنبال می کردم، بلکه این ترجمه بود که مرا به دنبال خود می کشید، عشق و علاقه به قرآن باعث شد که نوشتن و مطالعات دیگر که در فقه و نهج البلاغه داشتم را کنار گذاشته و به طور متمرکز به این کار پردازم، بارها می شد که برای پیدا کردن یک واژه متناسب با سجع و یا وزن کلام چندین روز به ذهن و فکر خود فشار می آوردم و بسیاری از کلمات و جملات را چندین بار عوض می کردم و گاهی سوره ای را با چندین سجع ترجمه کرده و چون مورد پسند واقع نمی شد، وزن و سجع آن را دگرگون می کردم و بدینسان بود که پس از چند بار تجدید نظر و بازنویسی، به یاری خداوند متعال در بیست و هفتم ماه مبارک رجب، سالروز مبعث پیامبر ختمی مرتبت - صلوات الله

علیه - در سال جاری (۱۴۱۹ هـ. ق) پیش نویس این اثر به پایان آمد و به دست حروفچینی سپرده شد.

نگارنده به هیچ وجه این اثر را به صورت فعلی، کامل نمی‌داند و لذا برای چاپ آن هم عجله به خرج نمی‌دهد و چون قرآن متعلق به همه است برای اصلاح و تکامل آن دست همه متقدمان و صاحب نظران را به گرمی می‌فشارد و اعلام آمادگی می‌کند که نسخه‌هایی از آن را در اختیار مؤسسات و یا دانشورانی که برای ابراز نظر قبول زحمت می‌فرمایند قرار دهد. در همینجا بر خود لازم می‌دانم از سروران و اساتید محترم آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی، استاد دکتر سید جعفر شهیدی، استاد محمد رضا حکیمی، استاد دکتر محمد حسین روحانی، استاد احمد احمدی بیرجندی، استاد مهندس اکبر طاهری و دیگر عزیزان و قرآن پژوهانی که جزء آخر این اثر را مورد ملاحظه و مطالعه قرار داده و راهنمایی‌های لازم را فرمودند، مراتب سپاس و امتنان خود را ابراز دارم. و از این عزیزان و دیگر شیفتگان قرآن کریم و فرهیختگان ادب پارسی درخواست کنم که با مطالعه مجموعه این ترجمه و ارایه پیشنهادها و اصلاحات خود، برآاستگی و پیراستگی این اثر بیفزایند.

اکنون برای روشن تر شدن ابعاد کار، و بیان ضرورت و توجه هر چه بیشتر به دو عنصر سجع و وزن در ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر، نوشتار پیوست به دوستداران فرهنگ و ادب و علاقمندان مباحث قرآنی تقدیم می‌گردد.

پیشگفتار

هنری بودن زبان قرآن

زبان قرآن، بی‌تردید زبان هنر است و کلام الهی، کلامی است دلنشین و زیبا و زیبایی این کلام نه تنها مردم زمان جاهلیت را که در شعر و سخنوری سرآمد بودند به شگفتی واداشت، بلکه هم اکنون نیز و برای همه زمانها، همه کسانی که به آوای قرآن گوش فرامی‌دهند را، به شگفتی وامی‌دارد. رمز این شکوه و زیبایی نیز در این است که ذات بی‌مانند او جمال است و نظام آفرینش او جمیل و جلوه جمال او در همه جا و هر چیز که آیه‌ای از کلام و کتاب اوست متجلی است و انسان همان شکوه و لطافت و ظرافتی را که در عالم تکوین، در گل و گیاه و سبزه و آبشار و تابش خورشید و درخشش ماه و سوسوی ستارگان و گستردگی افق و شگفتی دریاها و عظمت کهکشانها مشاهده می‌کند، در عالم تشریح نیز در سیمای واژه‌ها و جمله‌ها و آیات و سوره‌ها و طنین فواصل و وزن‌های متفاوت این کتاب مقدس می‌بیند.

حروف و کلمات این کتاب به زیباترین شکل در جای خود قرار گرفته و نظم و انسجام آیاتش رشته‌ای به هم تنیده را می‌ماند که به راحتی از کلمه‌ای به کلمه‌ای و از آیه‌ای به آیه‌ای سیر می‌کند، چونان جویباری روان که به آرامی در بستر خویش می‌غلند و در هر جلوه، صحنه‌ای همگون از آثار جمال و جلال خداوند را به نمایش می‌گذارد.

این کتاب مقدس علاوه بر مفاهیم حیاتبخش و والای آن که هدایت و رستگاری انسانها را نوید می‌دهد از نظر اسلوب ظاهری و آرایش کلامی نیز دارای ویژگی‌های ممتازی است که به اجمال از

نظر می‌گذرانیم:

۱. فصاحت و بلاغت

پژوهش در زیبایی‌های لفظی و گفت و گو پیرامون شیوایی و فصاحت و بلاغت قرآن کریم در حقیقت هم‌زمان و هم‌زاد با نزول آن است، اعجاز هنری قرآن همواره مورد توجه قاریان، مفسران، ادیبان و نویسندگان جهان اسلام بوده و تاکنون ده‌ها و بلکه صدها عنوان کتاب و رساله اختصاصی درباره صنایع لفظی و معنوی قرآن نظیر: قصر و انشاء، ایجاز و اطناب، تشبیه و کنایه، حقیقت و مجاز، استعاره و مبالغه، قسم، استتباع، توجیه، تلمیح، مماثلت، تجنیس، مطابقه، مساوات و نیز وزن و آهنگ و فواصل آیات الهی ارایه گردیده، اما آنچه مورد اتفاق همه چهره‌های برجسته فن بدیع و بیان عرب است، نظم بدیع، بیان بلیغ، و آوای اعجاز گونه قرآن است که گزیده‌ای از سخنان آنان را یادآور می‌شویم:

ابوالحسن علی بن عیسی معروف به «رمّانی» [متوفای سال ۳۷۴هـ] در کتاب «النکت فی اعجاز القرآن» می‌نویسد:

بلاغت عبارت است از: رساندن معنی به قلب با نیکوترین لفظ، و عالی‌ترین درجه آن از نظر نیکویی بلاغت قرآن است... قرآن نه تنها برای عرب بلکه برای عموم مردم معجزه است.^۲

جاحظ که یکی از پیشگامان علم بیان است در کتاب خویش «الحيوان» می‌نویسد: در کتاب نازل شده (آسمان) چیزی که مارا به صدق آن دلالت می‌کند، نظم بدیع آن است که بندگان توان گفتن مانند آن را ندارند.^۳

ابن ابی الاصبغ مصری [متوفای سال ۶۵۶هـ] در اعجاز بیانی قرآن کتابی به نام «بدیع القرآن» می‌نویسد و ضمن آن نمونه‌هایی از محسنات لفظی و بیانی قرآن را بیان می‌کند که از باب نمونه تنها برای آیه شریفه:

«وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی و غیض الماء و قضي الامر و استوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین» (هود، ۴۴/۱۱) هیجده نوع از محسنات بدیع را یادآور می‌شود.

ادیب و مفسر قرآن کریم سید قطب نیز در کتاب خویش «التصویر الفنی فی القرآن» [که با عنوان «نمایش هنری در قرآن» به فارسی ترجمه شده] این جلوه هنری و آوای ملکوتی را این گونه به تصویر کشیده است:

نظم و نسق قرآنی، خود را از تمام قیود و اوزان سجع و قافیة شعری آزاد ساخته اما در عین حال همه مزایای شعر را در بر گرفته و در نتیجه مأموریت نظم و نثر را با هم انجام داده است و هر وقت انسان قرآن را تلاوت می‌کند خود به خود این نواخت موسیقی را در سیاق آیاتش احساس می‌کند خصوصاً در سوره‌های کوتاه که این معنی در آن به صورت روشن‌تر و آشکارتری نمایان است.^۴

۲. وزن و آهنگ

از دیگر ویژگی های برجسته قرآن کریم، استواری جمله بندی و نظم آهنگ موسیقایی ویژه ای است که در ارتباط با مفاهیم هر یک از سوره های قرآن کریم وجود دارد، به گونه ای که هر شنونده را - هر چند عرب زبان نباشد - مسحور خود می سازد.

سید قطب در ارتباط با این ویژگی قرآن کریم پس از آوردن آیات و سوره هایی موزون از قرآن کریم می نویسد:

برای اینکه عنایت خداوند سبحان بر این هماهنگی مشخص تر شود چند نمونه از آیات را ذکر می کنیم:

الف: «افرايتم اللات والعزى. ومنات الثالثة الاخرى» (نجم، ۱۹/۵۳، ۲۰) در این آیه اگر بگوییم افرايتم اللات والعزى ومنات الثالثة [با توجه به اینکه معنی صحیح است] و کلمه «الاخرى» را نیاوردیم قطعاً قافیه نامیزان خواهد شد و آوای کلام از نامیزانی آن اثر خواهد پذیرفت، و اگر بگوییم افرايتم اللات والعزى ومنات الاخرى در این صورت وزن نامیزان خواهد شد.

ب: «قال افرايتم ما تعبدون. انتم وابائکم الاقدمون. فانهم عدو لى الأرب العالمين. الذى خلقنى فهو يهدين. والذى هو يطعمنى ويسقین. واذا مرضت فهو يشفين. والذى يمیتنى ثم يحيين. والذى اطعم ان يغفر لى خطيئتى يوم الدين» (شعراء، ۸۲-۷۵/۲۶)

در این آیات آشکارا می بینیم که حرف «باء متکلم» در «يسقین» و «يشفین» و «يحيين» در تقدیر گرفته شده با آنکه در اصل «یهدین» و «يسقین» و «يشفین» و «يحيين» بوده است، چرا؟ برای اینکه وزن و قافیه با سایر آیات هماهنگ باشد.

ج: «فامأ من اوتى كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرؤا كتابيه. انى ظننت انى ملاق حسابه. فهو فى عيشة راضية» (حاقه، ۱۹/۶۹-۲۱)

در دو موضع «هائ» در آخر کلمه کتابیه و حسابیه اضافه شده، زیرا اگر نبود آهنگ این آیات با آیات قبل و بعد آن به هم می خورد.

د: «ذكر رحمة ربك عبده زكريا. اذ نادى ربه نداء خفياً. قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس شيباً ولم أكن بدعائك رب شقياً» (مریم، ۱۹/۲-۴)

در این آیه اگر کلمه «منى» را پیش از کلمه «العظم» قرار دهیم و بخوانیم: رب انى وهن منى العظم قطعاً احساس می شود یک کسری و نا هماهنگی در کلام پیدا شده مانند نا هماهنگی در شعر، و این نا هماهنگی به هماهنگی تبدیل می شود آنجا که این کلمه در جای خودش قرار می گیرد. بدین ترتیب است که آهنگ عجیب شده با ساختمان تعبیر و بیان قرآنی، هماهنگ و با کمال دقت و لطافت و حساسیت کوچک ترین حرکت را به نوا می آورد و نرم ترین اهتزاز را می نوازد.

۳. سجع و فواصل آخر آیات

از برجستگی های دیگر قرآن کریم که به این کتاب مقدس در حد اعجاز زیبایی بخشیده است، فواصل زیبا و هماهنگ و سجع متناسب این کتاب جاودانه است. هنگامی که انسان قرآن کریم را

ورق می زند و به دقت آخر آیات را از نظر می گذرانند درمی یابد که هیچ سوره و حتی آیه ای از قرآن از این قاعده مستثنی نیست و متناسب با هر سوره، سجع مناسب به آن اختصاص داده شده است. از میان یکصد و چهارده سوره قرآن کریم در حدود ۳۰ سوره آخر آیات به «ن» اعم از «یاء و نون» و یا «او و نون» پایان پذیرفته است مانند: ینفقون، مفلحون، مصلحون، مهتدین، مؤمنین، کافرین و... که بسیاری از سوره های بزرگ از جمله سوره بقره بدین گونه است، البته در برخی از این سوره ها گاهی آیاتی به الیم و عظیم پایان می یابد که با توجه به قریب المخرج بودن میم و نون و اینکه آهنگ تلفظ این کلمات نزدیک به هم است و به اصطلاح از «والک» های واحدی برخوردار هستند خللی در آهنگ تلفظ پدید نمی آید و از زیبایی کلام کاسته نمی شود.

بیش از ۱۶ سوره از قرآن نیز آیات آن با «الف» - اعم از الف مقصوره و یا الف ممدوده - پایان می یابد.

۵ سوره با سجع «راء» است.

۵ سوره با سجعی به وزن «فعلیل» آمده است.

سوره محمد ﷺ با سجع هَمْ وَكَمْ، آمده است. سوره های همزه و ینه با «ه» سجع یافته و سوره شمس با «ها» آمده. سوره فیل با «لام» آمده، و سوره اخلاص با سجع «دال» آمده است.

به جز سوره های یاد شده که حدود نیمی از سوره های قرآن را تشکیل می دهد دیگر سوره ها با سجع های متنوع آمده که معمولاً ترکیبی از سجع های یاد شده است و با قرار گرفتن چند سجع کنار یکدیگر ترکیب زیبا و بدیعی را پدید می آورد. به عنوان نمونه در سوره مدثر چند آیه پشت سر یکدیگر با سجع «راء» آمده است، آنگاه چند سجع با «الف» آمده است، پس چند آیه باز با سجع «راء» آمده، آنگاه چند آیه با سجع «نون» آمده است، آنگاه از سجع «هاء» استفاده شده است.

در برخی از سوره ها یک آیه به صورت ترجیع بند تکرار شده، مانند سوره مرسلات که آیه شریفه: «ویل یومئذ للمکذبین» ده بار در آن آمده است و یا در سوره رحمن که عروس قرآن لقب یافته، آیه شریفه «فبأی الاء ربکما تکذبان» ۳۱ بار در آن تکرار شده است.

از سوی دیگر سبک ادبی قرآن نه به صورت «نثر مسجع» است و نه «بحر الطویل» و نه «شعر منظوم و دو بیتی» و نه «شعر نو» بلکه محسناتی از اینها را داراست و گاهی در برخی موارد به یکی از اینها نزدیک می شود، ولی در عین حال یک سبک مخصوص به خود دارد که هیچ یک از این اسامی را نمی توان بر آن نهاد.

ضرورت رعایت ویژگی های هنری قرآن مجید در ترجمه

در ترجمه قرآن مجید به زبان های دیگر با عنایت به زیبایی های لفظی و معنوی و صحنه پردازها و وزن و آهنگ اعجاز آمیز کلام الهی، الزاماً باید علاوه بر ترجمه دقیق و صحیح مفاهیم به این ویژگی های هنری نیز توجه داشت و در حد امکان آنها را رعایت کرد تا ترجمه ای هرچه نزدیک تر به قرآن کریم ارائه گردد، بر مترجم است که با آوردن کلمات اضافی یا تعیین مصداق، گستره مفهوم را محدود نکند و با شکستن نظام کلام و آوردن فواصل و قافیه های

ناهماهنگ زنجیره سخن را از هم نگسلد. البته توجه به این واقعیت که قرآن دارای هفت بطن است و هر بطن هفت بطن دیگر را در بردارد، ۶ کار مترجم را بسیار مشکل می کند و آرایه ترجمه ای که هم آیات به طور کامل معنی شده باشد و هم زیبایی های لفظی و معنوی و وزن و آهنگ ویژه قرآن در آن بازگردان شده باشد و از انسجام و استحکام ادبی هنری برخوردار باشد، کاری است بسیار مشکل که بسیاری از قرآن پژوهان و بزرگان آن را دور از دسترس دانسته اند اما این حقیقت را نباید از نظر دور داشت که تلاش در جهت دستیابی به ابعاد مختلف و استفاده از این چشمه جوشان و حی هیچ گاه نباید متوقف بماند و این حق اقوام مسلمان غیر عرب زبان است که ترجمه ای هر چه نزدیک تر به متن قرآن کریم در اختیار داشته باشند.

چند نمونه از ترجمه هایی که سجع و وزن را مورد توجه قرار داده اند. تا آنجا که تاریخ ترجمه های قرآن کریم نشان می دهد تنها بخشی از مترجمان بوده اند که به این ویژگی ممتاز قرآن کریم، یعنی جوهره وزن و آهنگ دلنشین و فواصل موزون آن توجه و عنایت کرده و کوشیده اند ترجمه و تفسیری مسجع و موزون ارائه دهند که در اینجا به نمونه هایی از این سبک که بدان دسترسی یافتیم اشاره می کنیم:

ترجمه ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید

یکی از قدیم ترین نسخ ترجمه قرآن مجید که به فارسی نگاشته شده، ترجمه ای است از دو جزء قرآن کریم که در هنگام تعمیر حرم شریف امام هشتم حضرت رضا علیه السلام از میان دیوار به دست آمده است و مرحوم دکتر رجائی که نشر کتاب را نمونه شعر فارسی، حد فاصل هجائی و عروضی شناخته است؛ در مقدمه خویش بر این ترجمه کهن [که نام مترجم آنهم مشخص نیست] می نویسد:

آنچه این ترجمه را از میان نظایرش ممتاز می سازد، کوششی است که مترجم برای موزون ساختن عبارات خود به کار بسته و توفیق او تا حدی است که هر خواننده ای نوعی موسیقی را در بیشتر پاره های آن احساس می کند؛ و اگر در نظر بگیریم که چهار دیوار رعایت کلام خدا و یکسان نبودن آیات از نظر طول و فصل و وصل و تکیه های وقفی تا چه حد مترجم را در تنگنا قرار داده است، کوشش و رنج او آشکارتر می شود؛ خاصه که زمان این ترجمه با توجه به لغات بسیار کهن و طرز جمله بندی آن به گمان این جانب اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است.^۷

در اینجا نمونه ای از این ترجمه را که مربوط به سوره مبارکه ابراهیم است از نظر می گذرانیم:

اللّٰهُ مَرَّایْغَام دَادَه اَسْت، پیغام خدای از من بشنوید: ار شکر کنیم گفته است: بیافزایم، ار کفر آرند، عذاب بچشند؛ ایمان آرید، کفر بگیارید؛ [بگذارید] که عذابی سخت را طاقت ندارید. از هر که در عالم کفر آرد خدا را بی شک زیان ندارد. ار ایمان آرد، بر آتش بستاید.

ترجمه ای از قرن چهارم هجری

ترجمه تفسیر گونه دیگر که با همت شادوران استاد دکتر احمد علی رجائی توسط انتشارات قدس رضوی به چاپ رسیده، قرآن مترجمی است که در گنجینه قرآن های نفیس آستان قدس رضوی موجود و محفوظ است.

این ترجمه که شیوه نثر فارسی آن مشابه ترجمه تفسیر طبری است، احتمالاً اندکی پس از تفسیر مذکور نگاشته شده است.

نام مترجم و نیز کاتب آن نامعلوم است و جز قسمتی اندک، ما بقی آن از میان رفته است، ولی از آنچه بجای مانده به روشنی مشاهد می شود که مترجم آن به وزن و سجع کلام عنایت ویژه داشته است. که نمونه ای از آن را ملاحظه می فرمایید.^۸

سوره انشراح

بسم الله الرحمن الرحيم. ۱- نه فراخ گردانیدیم دل تو را؟ ۲- وفرو نهادیم از تو بارگران تو را. ۳- آنکه فرو شکست پشت تو را. ۴- و بلند گردانیدیم تو را، نام تو را. ۵- هر آینه با هر سختی آسانی است. ۶- با هر سختی آسانی است. ۷- چون بهر دازی، رنج بردعا کردن. ۸- و سوی خداوند خویش رغبت کن.

تفسیر نسفی

امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی که در بین سالهای ۴۶۲ تا ۵۲۸ هجری می زیسته، تمام قرآن را همراه با شرح و تفسیری مختصر به سبک زیر ترجمه و تفسیر کرده است^۹:

سوره کوثر

ما دادیمت حوض کوثر بدان جهان (۱) بیار مر خدای خویش را نماز و بکن قربان (۲) چه دشمن تو عاص بن وائل است بی سر و سامان (۳)

ترجمه و تفسیر خواجه عبدالله انصاری

ترجمه و تفسیر ادبی و عرفانی خواجه عبدالله انصاری [م ۴۸۰ هجری] که امام احمد میبیدی در سال ۵۲۰ هجری آن را شرح و بسط داده و به «کشف الاسرار و عده الابرار»^{۱۰} نام نهاده است. این شرح و تفسیر به همان سبک معروف خواجه عبدالله انصاری، یعنی به صورت نثر مسجع نگارش یافته که نمونه ای از آن را از نظر می گذرانید:

سوره اخلاص

بسم الله الرحمن الرحيم - بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- قل هو الله أحد - بگو که اوست خدای یگانه. ۲- الله الصمد - خداوند بار، خدای همه

خدایان . ۳- لم یلد ولم یولد- نزاده و نزا دند او را . ۴- ولم یکن له کفواً أحد- و نبوده و نیست او را همتا .

تفسیر ادبی و عرفانی :

بسم الله الرحمن الرحيم- بنام خداوندی یگانه و یکتا، در ذات یکتا، در صفات بی همتا، از عیبها جدا، و خداوندی را سزا، داننده احکام و قضا، بزرگواری بی چند و بی چون و چرا، بنده نوازی شایسته هر ثناء، احسان او قدیم، فرمان او عزیز، پیمان او لطیف، ملک او بی زوال، پاك از عیب، دور از وهم و بیرون از قیاس

الله الصمد- صمد است که بندگان را بدو نیازی نیست، امید عاصیان به فضل اوست، درمان دردها از کرم اوست، بی نوایان را شادی به جلال و جمال اوست، مبارك آن کسی که مونسش نام اوست، عزیز آن کسی که بهره اش یاد اوست، شاد آن دل که در بند اوست، پاك آن زبان که در ذکر اوست، خوش زندگانی کسی که روزگارش در مهر و محبت اوست . یکی به بهشت نازد یکی به دوست، و دوست بهره کسی است که همتش همه اوست .^{۱۱}

ترجمه پرفسور آربری به زبان انگلیسی

مفسر بزرگ قرآن مرحوم آیت الله طالقانی در تفسیر خویش «پرتوی از قرآن»، ذیل سوره مبارکه اعلی مطالبی را در ارتباط با آهنگ قرآن و نیز ترجمه ای از قرآن مجید به زبان انگلیسی یادآور شده اند که به اجمال از نظر می گذرانیم :

بارها یادآوری شده است که بیش از معانی و حقایق بسیار بلندی که قرآن با ترتیب حروف و کلمات و آیات می نمایاند، صداها و آهنگهایی است که از برخورد حروف و حرکات و کوتاهی و بلندی آیات برمی آید، و مشاعر شنونده و خواننده را آنچنان جذب می نماید که معانی و مناظر متنوع برایش مشهود و ملموس می شود. اکنون پس از بررسی های دقیقی که برخی از محققان خارجی در قرآن کرده اند، تا حدی به این راز اعجاز رسیده اند. پروفیسور آرتور-ج-آربری، که آخرین و دقیق ترین مترجم قرآن به زبان انگلیسی است، این راز ترجمه و تقلید نشدنی قرآن را دریافته و نام ترجمه اش را «تعبیر قرآن» نهاده است، ایشان در مقدمه ترجمه خود می نویسد :

«در این کوشش که من برای بهبود کار گذشتگانم انجام داده ام، و برای تهیه چیزی که شاید به عنوان یک انعکاس ولو بسیار ضعیف از متن به حد اعلی بلیغ قرآن پذیرفته ام، زحمت ها کشیدم تا اوزان بسیار متنوع قرآن را فراگیرم . این سیمای بسیار مشخص، و به قول «پیکتال» در ترجمه قرآنش «آن سمفونی غیر قابل تقلید که تنها اصواتش انسان را به گریه و جذبه می کشاند» تقریباً به طور کلی مورد غفلت مترجمان گذشته قرار گرفته است، بنابراین تعجب آور نیست که آنچه را آنها به عمل

آورده اند به راستی در برابر اصل بس شکوهمندانه اش، سست و بی روح بیاییم، زیرا قرآن نه نثر است و نه نظم، بلکه تافته ایست بی همتا از هر دو»^{۱۲}

ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند

در بین ترجمه های اخیر از قرآن مجید تا آنجا که نگارنده ملاحظه کرده است، ترجمه استاد فولادوند بیشتر به سجع و وزن عنایت داشته و کوشیده اند علاوه بر ترجمه دقیق آیات، محسنات لفظی، به ویژه وزن را در جملات رعایت کنند. ایشان در یادداشت کوتاهی که بر ترجمه خویش نگاشته اند می نویسند:

ما به عنایت الهی کوشیده ایم... احیاناً اگر مقتضی موجود و مانع مفقود بود نوعی وزن عروضی را در انعکاس پاره ای از آیات مکی چاشنی ترجمه کنیم: نظیر: «آنگاه که خورشید به هم درپیچد» در سوره تکویر، یا: «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه» در آغاز سوره قمر و بسیاری موارد دیگر...^{۱۳}

بخشی از ترجمه ایشان از سوره تکویر بدین گونه است:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

۱. آنگاه که خورشید به هم درپیچد. ۲. و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند، ۳. و آنگاه که کوهها به رفتار آیند. ۴. وقتی شتران ماده و انهداه شوند، ۵. و آنگاه که وحوش را همی گرد آرند، ۶. دریاها آنگه که جوشان گردند، ۷. و آنگاه که جانها به هم درپیوندند، ۸. پرسند چو زان دخترک زنده به گور: ۹. به کدامین گناه کشته شده است.

گفتار استاد خرمشاهی در این زمینه

قرآن پژوه معاصر و مترجم گرانقدر قرآن کریم استاد بهاء الدین خرمشاهی نیز درباره ضرورت ترجمه هنری قرآن مجید در «گفتار مترجم» خود که در پایان ترجمه خویش بر قرآن نگاشته اند مطالبی دارند که قابل توجه و شنیدنی است. ایشان ذیل عنوان مسایل و مشکلات ترجمه قرآن کریم می نویسند:

حتی کسانی که معجزه بودن، یعنی حیانی بودن قرآن را قبول ندارند، مانند اغلب صاحب نظران و ادب پژوهان و سخن سنجان غیر مسلمان، به معجزه آسا بودن یعنی کمال هنری آن اذعان دارند.

اصولاً هر اثر هنری هر قدر که هنری تر باشد، ترجمه ناپذیرتر است. زیرا اثر هنری ادبی، اثری زبانی است و ویژگی های زبانی - بیانی زبان اصل را دارد. این اصل چه انگلیسی باشد مانند آثار شکسپیر و میلتون، چه فارسی مانند رباعیات خیام و غزلهای حافظ و سعدی، چه عربی مانند نهج البلاغه و در اوج همه آنها قرآن کریم، در جامه زبان اصلی است که خلق شده است و لفظ و معنا و صورت و محتوای آن جدا ناپذیر است... لحن قرآن کریم لحنی است پرشور، پراحتشام، بالابلند، که گویی از دهانی به پهنای فلک صادر می شود و خواننده و شنونده را به خشوع و بلکه به خاك می اندازد، کدام انسان خاکی می تواند این لحن افلاکی را تکرار کند. اگر مترجم قرآن

ابوالفضل بیهقی یا افسح المتکلمین سعدی یا امام محمد غزالی بود، طبعاً حاصل کارش در ترجمه قرآن، دیگرگون بود.

... و معلوم نیست چرا بزرگان هنر و ادب گرایش به ترجمه قرآن کریم نیافته اند، بارها خون خورده ام و در خلوت دل خود از شیخ اجل سعدی شکایت کرده ام که چرا به صرافت ترجمه قرآن نیفتاده است. دریغا که در تاریخ «بوك» و «مگر» و «کاش» و «اگر» روانیست. خون خور و خامش نشین که آن دل نازک / طاقت فریاد دادخواه ندارد (حافظ). یا حافظ که «هر چه کرده همه از دولت قرآن بوده است» و «قرآن را در سینه داشته است» و آن را با احاطه کامل به قرآنت و اختلاف قرآنت هفتگانه و چهارده گانه می خوانده است، چرا به صرافت نیفتاده است که همه فارسی زبانان و خواستاران و خریداران غزل او، بسی بیش از آن خواهان ترجمه او از کلام الله مجید هستند.^{۱۴}

ترجمه قرآن در قالب شعر

پیش از این شاه نعمت الله ولی و در زمان ما بزرگوارانی همانند آقایان محمد علی باقریه و ... کوشیده اند تحت تأثیر بیان اعجاز انگیز و وزن و سجع حیرت برانگیز قرآن مفاهیم آیات الهی را در قالب شعر بسرایند و ترجمه ای منظوم از قرآن مجید ارایه دهند. که این خود کاری است بسیار بجا و پسندیده، گرچه روشن است که زبان قرآن همان گونه که نثر ساده معمولی نیست. شعر دوبیتی منظوم هم نیست گرچه می توان آیه‌ای را به صورت شعر هم خواند و یا بسیاری از آیات را بخاطر آنکه موزون است مصرع یک بیت قرار داد. آقای محمد علی باقریه که سوره مبارکه یوسف را در قالب نظم سروده در پیشگفتار کوتاه خود بر این ترجمه می سراید:

مرا عقیده بر این است در نهاد بشر سخن، به شعر، کند بیشتر ز نثر اثر
کلام خویش، خدا هم مسجع و موزون روان نمود زدل بر زبان پیغمبر
و در ترجمه این آیه شریفه از سوره مبارکه یوسف، «نحن نقص عليك احسن القصص بما
اوحينا اليك هذا القرآن وان كنت من قبله لمن الغافلين» (یوسف، ۳/۱۲) می سراید:

بر تو می خوانیم ما، از باستان بهترین قصه ها و داستان
از طریق این کتاب خواندنی که تو را دادیم و باشد ماندنی
باخبر گشتی ز حال دیگران گرچه آگاهی نبودت پیش از آن

مقایسه این ترجمه با برخی از ترجمه های دیگر

با توجه به آنچه گفته شد روشن شد که قرآن کریم هم دارای وزن است و هم دارای نوعی سجع، و بخاطر این دو ویژگی بارز و عمومی و محسنات و صنایع لفظی دیگر است که نثر قرآن از حلاوت و شیرینی ویژه ای برخوردار است.

در ترجمه قرآن به زبان های دیگر نیز باید در حد امکان این دو ویژگی بارز و فراگیر مد نظر قرار

داده شود، آنچه این ترجمه برآن تأکید دارد علاوه بر دقت در ترجمه دقیق مفاهیم عنایت بر این دو ویژگی است که با ذکر دو نمونه به توضیح مطلب و نمونه عینی تفاوت این ترجمه با دیگر ترجمه های موجود از قرآن کریم می پردازیم.

نمونه نخست: سوره کوثر.

بسم الله الرحمن الرحيم

أَنَا اعطيناكَ الكوثر (۱) فصل لربك وانحر (۲) ان شانتك هو الابتر (۳)

با دقت در این سوره از قرآن کریم - که کوچکترین سوره قرآن است - بخوبی آشکار می شود که آیات این سوره هم دارای وزن است و هم دارای سجع، هریک از آیات دارای وزن مفاعیلی است که آهنگ و آوای خوشی را به آن بخشیده است و آخر آیات هم با یک وزن و سجع خاص پایان پذیرفته است و سجع آن «راء» است. «کوثر» «وانحر» «ابتر».

اکنون چند نمونه از ترجمه های این سوره را از این دیدگاه ملاحظه فرمایید:

ترجمه آیت الله مکارم شیرازی:

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان] عطا کردیم. ۲. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. ۳. و بدان دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است. ملاحظه می فرمایید که هریک از آیات این ترجمه نه دارای وزن عروضی است و نه آخر آیات از سجع برخوردار است. آخرین کلمه آیه اول «کردیم» آیه دوم «کن» و آیه سوم «است» است.

پیشانی

ترجمه استاد بهاء الدین خرمشاهی: شانی و طاعات فرنگی

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. ما به تو کوثر بخشیده ایم. ۲. پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن. ۳. بی گمان دشمن تو بی سرانجام [و بلا عقب] است. چنانکه ملاحظه می فرمایید این ترجمه نیز بدون وزن و سجع است، البته اگر آیه سوم را کمی تغییر بدهیم و بگوییم؛ «بی گمان دشمن بی سرانجام است» این آیه تا اندازه ای موزون می شود. ترجمه استاد فولادوند:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

۱. ما تو را [چشمه] کوثر دادیم؛ ۲. پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. ۳. دشمن بی تبار خواهد بود.

این ترجمه نیز فاقد سجع است ولی آیه اول بی تردید موزون است «ما تو را چشمه کوثر دادیم» آیه سوم نیز دارای وزن است «دشمن بی تبار خواهد بود».

البته ترجمه بسم الله در هریک از این سه ترجمه دارای وزن است:

هم «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان» وزن دارد و هم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان» اما ترجمه نگارنده از این سوره بدینگونه است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. همانا ما تو را بخشیده ایم کوثر. ۲. پس نماز آور خدایت را و قربانی به جای آور. ۳. دشمن توست بی گمان ابتر.

ملاحظه می فرمایید که در این ترجمه هم وزن وجود دارد و هم سجع.

سجع ترجمه نیز «راء» است که با سجع متن سوره یکی است «کوثر» «آور» «ابتر».

نمونه دوم: سورهٔ همزه.

بسم الله الرحمن الرحيم

ويل لكل همزة لمزه (۱) الذي جمع مالا وعدده (۲) يحسب ان ماله اخلده (۳) كلاً لينبذن في الحطمه (۴) وما ادريك ما الحطمه (۵) نار الله الموقدة (۶) التي تطلع على الافئدة (۷) انها عليهم مؤصدة (۸) في عمد ممدده (۹)

هریک از آیات این سورهٔ مبارکه دارای وزن عروضی است و مجموعه سوره از سجع «هَاء» برخوردار است. اینک ترجمه های این سوره مبارکه را از نظر می گذاریم:

ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱. وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای! ۲. همان کس که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده (بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند). ۳. او گمان می کند که اموالش او را جاودانه می سازد! ۴. چنین نیست که می پندارد؛ به زودی در «حطمه» [= آتشی خرد کننده] پرتاب می شود! ۵. و تو چه دانی حطمه چیست؟! ۶. آتش برافروخته الهی است، ۷. آتشی که از دلها سر می زند!! ۸. این آتشی بر آنها فرو بسته شده، ۹. در ستونهای کشیده و طولانی! چنانکه ملاحظه می فرمایید ترجمه فوق فاقد وزن و سجع است.

ترجمه استاد بهاء الدین خرمشاهی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱. وای بر هر عیبجوی طعنه زن. ۲. همان که مالی گردآورد و شماره اش کرد. ۳. پندارد که مالش او را جاودانه می سازد. ۴. حاشا، بی شبهه به کام در هم شکن انداخته می شود. ۵. و تو چه دانی که در هم شکن چیست؟ ۶. آتش الهی فروزان. ۷. همان که بر دلها راه یابد. ۸. برایشان لایه لایه فرو افتد. ۹. در ستونهایی بالا بلند.

این ترجمه نیز فاقد سجع است ولی برخی آیات آن از جمله آیه ۳ «پندارد که مالش او را جاودانه می سازد» و نیز آیه ۸ «برایشان لایه لایه فرو می افتد» تا اندازه ای از وزن برخوردار است.

ترجمه استاد فولادوند:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

۱. وای بر هر بدگوی عیب جویی، ۲. که مالی گردآورد و برشمردش. ۳. پندارد که مالش او را جاوید کرده. ۴. ولی نه! قطعاً در آتش خرد کننده فرو افکنده خواهد شد. ۵. و توجه دانی که آن آتش خرد کننده چیست؟ ۶. آتش افروخته خدایی [است]. ۷. آتشی که به دلها می رسد. ۸ و ۹. [آتشی که] در ستونهای دراز، آنان را در میان می گیرد.

این ترجمه نیز فاقد سجع و وزن است مگر آیه ۳: «پندارد که مالش او را جاودانه می سازد» که دارای وزن عروضی است.

ترجمه نگارنده از این سوره بدینگونه است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. وای به هر عیب جوی طعنه زننده، ۲. آن که مالی گردآوری و شمارش کرده؛ ۳. پندارد که مالش او راست جاودانه کننده! ۴. هرگز! البته افکنده می شود در آن شکننده. ۵. و چه دانی که چیست آن شکننده؟ ۶. آن آتش خداست برافروخته، ۷. آن که بردلهاست شراره زننده؛ ۸. بر آنهاست زهر سو فرو بسته. ۹. در ستونهای زیانه کشنده.

همانگونه که ملاحظه می فرمایید ترجمه همه آیات دارای وزن عروضی است و مجموعه سوره نیز دارای سجع «هـ» است که با سجع سوره هماهنگی و هم آوایی دارد.

نمونه های دیگری از سجع در این ترجمه

در ترجمه دیگر سوره های قرآن نیز، در وزن های گوناگون و سجع های متفاوت، این دو ویژگی رعایت شده است.

پیشانی

سجع «ند» و «ید»

چنانکه پیش از این گفتیم سجع بسیاری از سوره های قرآن کریم به ویژه سوره های بلند مانند سوره مبارکه بقره «واو و نون» و «یاء و نون» است که در ترجمه مناسب ترین سجع با توجه به معنای آن که عموماً صیغه جمع است «ن و دال» و «ی و دال» است. در این ارتباط به چند آیه از آیات ابتدای سوره بقره فرمایید.

سوره بقره

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. الف. لام. میم. ۲. این کتاب - که تردیدی در آن نیست - رهنمودی است برای کسانی که پرهیز پیشه اند. ۳. کسانی که به نادیده می گروند، و نماز برپا می دارند، و از آنچه روزیشان کرده ایم می بخشند. ۴. و کسانی که بدانچه بر تو فرستادیم و بدانچه پیش از تو فرستادیم می گروند، و هم آنان به آخرت باورمندند. ۵. اینان از سوی پروردگارشان برهدایتند، و همینانند که رستگارند. ۶. برای کافران یکسان است، چه بیمشان بدهی چه بیمشان ندهی، نمی گروند. ۷. خدا بردلهایشان و برگوشهایشان مهر نهاده، و بردیدگانشان پرده ای است، و کيفری سهمگینی دارند. ۸. و از مردم برخی می گویند: ما به خدا و روز باز پسین گرویده ایم، ولی آنان گرونده نمی باشند. ۹. اینان با خدا و مؤمنان نیرنگ می ورزند، ولی مگر به خودشان نیرنگ نمی زنند، و

نمی فهمند. ۱۰. در دل‌هایشان بیماری است، و خدا بر بیماریشان افزود، و کیفر درد آوری دارند بخاطر دروغی که می گفتند. و ...

سجع «الف»

بیش از شانزده سوره از قرآن مجید با سجع «الف» آمده است، که در این ترجمه عنایت بر این بوده که تمام این سوره ها هم آوا با متن اصلی با سجع «الف» ترجمه شود اینک چند آیه از ترجمه آیات سوره مبارکه «طه» را از نظر می گذرانیم:

سوره طه

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. طه [ط، ها]. ۲. قرآن را بر تو فرو فرستاده ایم تا به رنج افکنی خود را، ۳. آن تنها پندی است برای هر که بگیرد پروا. ۴. فرو فرستاده از سوی کسی است که آفریده زمین و آسمانهای فرازین را. ۵. خدای رحمان که بر عرش یافت استیلا. ۶. آنچه در آسمانها و زمین و بین آنها و آنچه در زیر خاک است ویژه است او را. ۷. و اگر سخن به آشکارا گویی [یا نهان داری] بی تردید او می داند هر نهان و نهان تر را. ۸. خداست که خدایی به جز او نیست، او راست نامهایی زیبا. ۹. آیا تو را رسیده است داستان موسی؟ ۱۰. آنگاه که آتشی دید، و به کسانش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم، باشد که از آن شعله ای برای شما آرم؛ یا در پرتو آن راهی را کنم پیدا. و ...

سجع «دال»

در این ترجمه بسیاری از سوره ها به ویژه سوره های کوتاه با سجع «دال» ترجمه شده است مانند سوره تکوین، عادیات، نصر و مسد. ترجمه سوره مسد بدینگونه است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. بریده باد دست های بولهب بریده باد. ۲. دارایی و اندوخته اش سودش نداد. ۳. به زودی در شعله کشیده آتشی وارد شود. ۴. و همسرش که بی امان هیزم کشد؛ ۵. به گردنش طناب آتشین فتد.

سجع «ن»

برخی از سوره ها با سجع «ن» ترجمه شده مانند سوره فاتحه، ناس، فلق، عصر و تین. نمونه سوره های ترجمه شده با این سجع بدین گونه است:

سوره عصر (زمان)

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. سوگند به زمان، ۲. که انسان است همواره در زیان؛ ۳. مگر کسانی که گرویدند و کارهای شایسته آوردند، و حق و شکیبایی را سفارش کردند به این و آن.

سجع متنوع

همانگونه که پیش از این یادآور شدیم در حدود نیمی از سوره‌های قرآن با سجع‌های متنوع آمده یعنی هرچند آیه با یک سجع آراسته شده و متناسب با عوض شدن مفهوم، سجع آیات نیز عوض شده است، در این ترجمه نیز تا آنجا که تشخیص داده می‌شده که براین تنوع عنایت است اینگونه سوره‌ها با سجع متنوع ترجمه شده است.

به عنوان نمونه به این سوره توجه فرمایید:

سوره کافرون (کافران)

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. بگو: ای کافران، ۲. نمی‌پرستم آنچه را که پرستید. ۳. و نه پرستنده‌اید آنچه را که پرستم. ۴. نه من پرستنده‌ام آنچه را که پرستید. ۵. و نه پرستنده‌اید آنچه را که پرستم. ۶. شما را دینتان باشد، و دین من مرا باشد.

در این سوره از سجع «ن» «دال» و «میم» استفاده شده است همانگونه که در متن سوره همین سجع در واژگان کافرون، أعبد و عبدتم آخر آیات آمده است.

اینها چند نمونه از سوره‌ها با این سبک از ترجمه بود که خدمت شما ارائه گردیده، برای آگاهی بیشتر در این زمینه و ارائه هرگونه نظر لطفأً با دفتر مجله قرآنی بینات و یا با نگارنده تماس حاصل فرمایید.

پیشانی

۱. آوای قرآن توسط نشر تفکر و جزء آخر قرآن توسط مرکز نشر علوم دانشگاهی و معارف اسلامی، قم، کتابسرای کوثر به چاپ رسیده است.
۲. النکت فی اعجاز القرآن/ ۲۲.
۳. الحیوان، ۱/ ۱، و نیز ر. ک، بدیع القرآن، ابن اصبح، ترجمه دکتر سید علی میرلوحی/ ۳۹.
۴. نمایش هنری در قرآن/ ۱۴۸.
۵. همان/ ۱۴۸-۱۵۴.
۶. عن رسول الله ﷺ: ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن. تفسیر صافی/ مقدمه و نیز سفینه البحار ماده بطن.
۷. ر. ک، هزار سال تفسیر فارسی، دکتر سید حسن سادات ناصری و منوچهر دانش‌پژوه/ ۴، نشر البرز، سال ۱۳۶۹.
۸. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر. ک، «متنی پارسی از قرن چهارم هجری» انتشارات آستان قدس رضوی و نیز کتاب «هزار سال تفسیر فارسی»/ ۴۷-۵۱.
۹. این اثر ارزشمند توسط دکتر عزیز الله جوینی تصحیح شده و توسط بنیاد قرآن در سال ۱۳۵۳ هـ. ش. در دو مجلد به نام «تفسیر نسفی» به چاپ رسیده است. نسخه اصلی این ترجمه و تفسیر در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می‌باشد.
۱۰. این کتاب در ۱۰ مجلد توسط انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات امیرکبیر و خلاصه‌ای از آن در ۲ مجلد توسط انتشارات اقبال به چاپ رسیده است.
۱۱. تفسیر ادبی و عرفانی خواجه عبدالله انصاری، انتشارات اقبال، ۶۴۹/۲.
۱۲. پرتوی از قرآن، جزء سی‌ام/ ۲۴.
۱۳. قرآن مجید ترجمه: استاد محمد مهدی فولادوند، نشر دار القرآن الکریم، یادداشت مترجم.
۱۴. قرآن مجید، ترجمه و توضیحات، بهاء‌الدین خرمشاهی، مؤخره/ ۶۳۲.